**چهره طبیعت در دنیای مدرن**

پدید آورنده : زهره مختاری ، صفحه 32

|  |
| --- |
| جهانی را که در آن زندگی می کنیم، تغییرات و تحوّلات بسیاری را از سر گذرانیده، تا به آنچه امروز پیش روی ماست، تبدیل شده است. زمانی که انسان، پا به عرصه این کره خاکی نهاد، تصمیم گرفت با مسخّر کردن طبیعت، زندگی خویش را سر و سامان دهد. او در آغاز، از طبیعت، تنها برای رفع نیازهای ابتدایی خویش سود می جست. از چوب برای سرپناه و وسایل اوّلیه زندگی و لوازم شکار و سپس امکاناتی برای حمل و نقل، بهره برداری می کرد؛ ولی با گذشت زمان، با توسعه و پیچیدگی هایی که در زندگی انسان به وقوع پیوست، شیوه بهره برداری او از طبیعت نیز دستخوش پیچیدگی های بسیاری گردید. انسان، دیگر از طبیعت، تنها برای رفع نیازهای ابتدایی استفاده نمی کرد؛ بلکه از آن برای انباشت ثروت، رفاه بیشتر و تسخیر و سلطه خویش بر اشخاص و محیط اطراف خود، بهره می برد. در طول سالیان دراز، تلاش انسان، همواره بر این بوده است که بیاموزد چگونه زندگی کند و به چه نحو، از مواهب طبیعی برخوردار گردد و چه بسا مشکلات بسیاری (مانند کمبود مسکن، غذا و امکانات زندگی)، او را به راهی کشانده است که نتیجه آن، پیشروی به سوی عرصه های زیست محیطی (اکولوژیکی)، طبیعی و دست نخورده و یا در جهت تبدیل زمین های مرغوب کشاورزی به محدوده شهرها و... است.  در ادامه روند گسترش سلطه انسان بر طبیعت، جنگل ها و مراتع نیز آخرین رُستنی های خود را در اختیار دام های گرسنه انسان ها قرار می دهند و از طرفی، نابودی و خرابی آنها، باعث خسارت های جبران ناپذیر، همچون: سیل، رانش زمین، آلودگی هوا و... می شود که این خسارت ها در زندگی نسل های اینده نیز اثری نامطلوب می گذارد.  تأثیر و نقش جنگل و مرتع، به عنوان یکی از منابع مهمّ طبیعی، بر کسی پوشیده نیست تا آن جا که جنگل و مرتع را از بزرگ ترین نعمت های خداوند دانسته اند و آنها را از باارزش ترین سرمایه های یک کشور به حساب می آورند؛ در حالی که برداشت انسان از طبیعت، بیش از اندوخته قابل جبران آن و بدون رعایت هیچ گونه اصول منطقی و علمی صورت می پذیرد که برایند این نا همزیستی انسان و طبیعت، چیزی جز حرکت به سوی ایجاد بی نظمی و اغتشاش در محیط زیست و طبیعت نیست.  تخریب طبیعت در دنیای معاصر  پژوهش هایی که در دهه هشتاد میلادی صورت گرفت و تغییرات عظیمی که در شرایط طبیعی کره زمین به وقوع پیوست، بیانگر آن بود که کره زمین، در حال گرم شدن است و جنگل های آن، در حال نابودی. لایه اُزُن ـ که کره زمین را از گزند اثرات زیانبار اشعه ماورای بنفش خورشید محفوظ می دارد ـ روز به روز، نازک تر می شود و احتمال بروز انواع سرطان ها را افزایش می دهد.  قدرت تولید موادّ غذایی در سطح جهان، به علّت فرسایش خاک و بهره برداری بی رویه از زمین و آب، در حال کاهش است و بیم آن می رود که جهان، تا چند سال دیگر، با کمبود مواد غذایی رو به رو شود. بسیاری از شهر های جهان، با کم آبی شدید دست به گریبان اند، به طوری که کشورهایی مثل ژاپن، به منظور رویارویی با بحران کمبود آب و کمک به صنایع کشورشان، حتّی مجبور به واردات آب از کشورهای دیگر شده اند.1  در سال 1988م، حدود 5.5 میلیارد تن کربن از طریق سوخت های فسیلی، وارد جوّ زمین شد. اگر رشد این جریان، سالانه فقط سه درصد باشد، میزان انتشار کربن در سال 2010م، به ده میلیارد تن خواهد رسید که نتیجه آن، گرم شدن کره زمین و از بین رفتن لایه اُزُن خواهد بود. این رویداد، اثرات سوئی بر زندگی کلّ بشر خواهد داشت، در حالی که عامل اصلی ایجاد آنها فقط کشورهای صنعتی هستند که 84 درصد تولید کُلُروفلوئور و کربن و 69 درصد انتشار دی اکسید کربن را به خود اختصاص داده اند. خطر دیگر گرم شدن کره زمین، ذوب شدن یخ های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاهاست.  **درخت و دنیای مدرن**  موادّ سمّی موجود در هوای شهرها، فقط از لوله اگزوز ماشین ها و یا دودکش کارخانه های داخل شهر تولید نمی شود؛ بلکه بادهایی که به سوی شهرها می وزند، گرد و غبار و گازهای کارخانه های اطراف را هم وارد شهر می نمایند و به غلظت موادّ سمّی هوای مناطق مسکونی می افزایند. این جاست که نقش درختان (به عنوان نماد طبیعت)، در جلوگیری و کاهش آلودگی هوا روشن می شود. به طور مثال، یک درخت صد ساله راش، با 2.5 تن وزن (وزن چوب خشک)، در طول عمر خود 12.5 میلیون متر مکعب گاز کربنیک هوا را جذب کرده است تا بتواند این مقدار چوب را تولید کند.  همچنین می توان به اهمیت درختان در جلوگیری از سر و صدای محیط اشاره نمود. می دانیم که یکی از آثار نامطلوب صنعت، ایجاد سر و صدا در مناطق مسکونی است که در اثر تراکم جمعیت و وسایط نقلیه موتوری، کارخانه ها و وسایل و ماشین های ساختمانی و ساختمان سازی تولید می شود. از این رو، اگر اقدامات لازم در جهت کمتر نمودن سر و صدا و کاهش آلودگی صوتی در شهر های صنعتی بزرگ و نزدیک فرودگاه ها انجام نگیرد، می تواند ناراحتی عصبی و روحی غیر قابل جبرانی را به وجود آورد. علاوه بر اقدامات فنّی لازم برای جلوگیری از سر و صدای محیط، جنگل کاری، ایجاد فضای سبز در داخل شهرها و اطراف مناطق صنعتی و فرودگاه ها، به میزان قابل ملاحظه ای از آلودگی صوتی می کاهد.  از فواید دیگر درختان، می توان به استفاده در موادّ دارویی و صنعتی، حفظ ذخایر ژنتیک گیاهی و جانوری و تأمین غذا و مأمن برای حیوانات وحشی و پرندگان و سرانجام، گردشگری در طبیعت (اکوتوریسم) اشاره نمود.  **هنوز دیر نشده**  واقعیت، این است که ما امروز در مقطعی از تاریخ و در مرحله ای از توسعه قرار گرفته ایم که بهره برداری بی رویه و شتاب زده، موجب تخریب کیفیت و گاه، نابودی کامل طبیعت شده است. منابع زیست محیطی زمین، شاید بتواند بسیاری از آمال و آرزوهای بشری را تحقّق بخشد؛ امّا این، ممکن نخواهد بود مگر از طریق ترویج و نشر گسترده و مستمر فرهنگ زیست محیطی در میان اقشار مختلف جامعه.  مسائل زیست محیطی، امروزه، دامنه وسیعی پیدا کرده اند و از حدّ مسائل فنّی گذشته اند و عمیقاً دارای مفهوم اجتماعی هستند.  امّا اکنون سؤالی در پیش روی ماست که چگونه شیوه های غارتگرانه ـ که طبیعت را به نحوی خطرناک، رو به نابودی می برند ـ را در دنیای مدرن، به شیوه های معامله سودبخش با طبیعت و رشد توسعه اجتماعی و اقتصادی با حفظ طبیعت، تبدیل کنیم. در این زمینه، بسیاری از کشورها، اقدامات قابل توجّهی انجام داده اند. به عنوان مثال، چین، نرخ باروری خود را به کمتر از دو فرزند به ازای هر زن، تقلیل داده که به احتمال زیاد، تا چند دهه اینده، به ثبات جمعیت، دست خواهد یافت. دانمارک، احداث نیروگاه های زغال سوز را ممنوع کرده است. کره جنوبی، تپّه ها و کوهستان ها را لباس سبز پوشانده است. کاستاریکا، برای اتّکای کامل اقتصادی کشور به انرژی های نو (توربین های بادی و سلّول های خورشیدی و...)، برنامه ای در سطح کشور به اجرا گذاشته است. آلمان، در زمینه تغییر سیاست مالیاتی و کاهش مالیات بر درآمد و جبران آن از طریق مالیات بر انرژی، پیش قدم شده است. ایالات متّحده امریکا، فرسایش خاک را از سال 1982م، تا کنون، قریب چهل درص کاهش داده است. فنلاند، مصرف قوطی های یک بار مصرف را ممنوع کرده است. هلند، به جهان نشان داده که چگونه می توان نظام حمل و نقلی ایجاد کرد که در آن، دوچرخه، در افزایش تحرّک مردم و بهبود کیفیت زندگی، نقش اصلی را داشته باشد و به طور کلّی، اگر فرایند توسعه، به گونه ای برنامه ریزی شود که ضرر و زیان کمتری برای منابع طبیعی داشته باشد، این، یک جریان مداوم و پایدار خواهد بود که خواهیم توانست بهره وری کافی و قابل اعتمادی برای نسل های اینده داشته باشیم؛ زیرا طبق تعریف بین المللی سازمان برنامه محیطی سازمان ملل متّحد (UNEP)، «توسعه پایدار، توسعه ای است که نیازهای نسل های حاضر را برآورده سازد، بدون آن که توانایی های نسل های اینده را در رفع نیازهایشان، به مخاطره اندازد».  **پی نوشت:**  1. روزنامه اطلاعات، 31/ 5/ 1383.  منابع:  1. هشدار، محمّد خسروشاهی و شهاب الدّین قوامی، تهران: پونه، 1384.  2. توسعه اقتصادی در جهان سوم، مایکل تودارو، مترجم: غلامعلی فرجادی، تهران: کوهسار، 1382. |